



اجازه‌ی مردمان غیور و انقلابی می‌خواهم قم را قربانش بروم! آری که انتقاد از خود ما آغاز می‌شود، از خانه‌ی ما آغاز می‌شود (به طور چراغ خاموش آمادگی خود را برای انتخابات سردبیری نشریه تا سال ۱۴۰۴ اعلام می‌کند). و اما قم شهر خون و قیام: می‌دانم که زمان اعلام نتایج کنکور همگی تا پنج دقیقه‌ی نخست دیدن نتایج خوشحال‌تر از چهار سال بعدش بودند. چون سازمان سنجش حتی داخل پراتز هم برای ما نوشت همان تهرانی که قمه! و همگی قم را یک بیابان بزرگ تصور کردید که تعدادی کرکس دارند پرواز می‌کنند و فقط ساختمان حرم مطهر و مدرسه فیضیه آخرهای بیابان دیده می‌شود و مردم قم در حالی که روزه می‌خوانند، ناهار می‌خورند و در حال گوش کردن به روزه می‌خوابند و داخل منازل موقع خواب چادر سر می‌کنند و قس علی هذا...

و با گوش دادن به آهنگ‌های (ساغر شکست ای ساقی رفته‌ام ز دست ای ساقی) به شهر وارد شدید و بعد دیدید که اصلاً شهر طبق تصورات شما نبود چون اصلاً

قم بهتر است یا New York!؟

جان بر کف گذاشته تا آینده‌ی تمام‌نمای جامعه خود بر مردم باشیم. از آنجا که هر نویسنده‌ای برای جلوگیری از ورود هجمه‌ها برای طنزنویسی اجتماعی، خودش را نشانه می‌گیرد من هم با

خُب خُب می‌بینم که یه شماره من متن نوشتن همگی خوب تو پی‌وی اساتید برای گرفتن نمره مشغول ابراز ارادت بودید. حالا که سر کیفید بدم سر کیفید، الکی ادای بدحالی که یک ماه آزمون دادند و همچنان منتظر نمرات هستند درنیارید!

سردبیر عزیز به بنده امر فرمودند که از حیطة بی‌نمک بازی در سطح دانشگاه پافراتر گذاشته و نمک‌های فراوان خود را بر سطح جامعه هم بپاشم و طنز اجتماعی را نیز بی‌ارزش و عزت بکنم و دستی بر آتش آن فرو برم. یعنی الان با وجود شیوع بیماری‌ها فقط بنده و آقای حسینی بای و آقای سلامی و خانم ذبیح‌پور همچنان



شخصیت‌های شکرستان که پیام‌های اخلاقی را (همچون ماسک بزن چون دل) القا می‌سازند، المان خانواده‌ی موتورسوار، توپ‌های رنگی خاطرہ‌ساز، یک عدد



دست دوم شبکه سه که آخرین مرتبه دست برنامه‌ی یک آقای که آغاز نامش عادل فردوسی‌پور بوده کفایت می‌کند و به عنوان صدابرداری در شبکه‌ی نور اعتقادی نبوده. در حدی که بدون اغراق یک شبانه روز تمام برنامه‌های شبکه بدون صدا پخش شد! اما این دلیل بر بی‌مخاطب بودن شبکه نیست و طبق آمارها برای تماشای اخبار شبکه استانی چند نمونه خفگی در مرکز آمار به ثبت رسیده به طوری که در شب‌های روزگارانی که برف می‌بارید در چند مورد پدران، پسران خود را خفه کردند تا نتیجه‌ی تعطیلی یا عدم تعطیلی سازمان‌ها را پیگیری بکنند!

از مراکز تفریحی قم می‌توان به: فلکه‌ی بستنی بوستان علوی خیابان بهشت و پارک دورشهر (که به لطف فعالان فضای مجازی تابلوی بانوان - آقایان چندی است از این محوطه حذف شده است) و بوستان غدیر و بستنی فلکه پارک علوی بهشت استریت و بوستان قدیر و فلکه دستغیب (بستنی سابق) و بوستان ل-ع-و-ی و پارک نجمه (دورشهر کنونی) اشاره داشت.

از المان‌های زیبایی شهر قم می‌توان به: گنجشک‌های پارک دورشهر، المان‌های

دانشگاه شما در سطح شهر نبود (سس ماست می‌گویم تا این شوخی بی‌مزه را فراموش نکنید) و بین قم و تهران یک باره چند تا ساختمان سبز شدند. اما بعد به لطف دوستان برای شما از خیابان صفاییه رونمایی شد و چه خوب خیابانی است صفاییه. تعدادی ون مشکی بر شما گوشزد می‌کنند مسیر بهشت را و شما هم کم‌کاری نکرده در حال جیغ زدن از آن‌ها فیلم برمی‌دارید و برای شبکه‌های ... دوستانتان در واقع در واتس‌آپ ارسال می‌کنید.

کمی جلوتر صدا و سیمای مرکز قم را داریم که شما از رویدادهای این مرکز مهم بی‌خبرید چون در خوابگاه فقط و فقط در هر نمازخانه یک تلویزیون K4 در اختیار شما بوده و مسئولین مربوطه به دلیل نبود نسخه‌های اصلی رخساره‌های بلوری روز جهانی از شما عذرخواهی کردند و این ابزارآلات برای دیدن برنامه‌های شبکه‌ی نور کفایت نمی‌کنند بلکه شما باید علاوه بر همراه داشتن تخمه و پفک به هنگام تماشای شبکه نور یک عدد مسعود فراستی جیبی همراه داشته باشید تا این اجراهای مقوایی رو بکوبید و لذت ببرید. به این ترتیب که مرکز صدا و سیمای استان قم از استانداردهای لازم دکور برنامه زنده به دیوار و برای گروه گریم به آب و شانه و برای کت و شلوار مجریان مرد به اکبر آقا خیاط سر کوچه و برای مجریان خانم به سکینه خانم خیاط و برای دوربین به دوربین

مقدار بین دندان‌ها باقی می‌ماند و سوهان بعضی فروشگاه‌ها را اگر از گلدسته‌های حرم مطهر پایین بیندازیم نمی‌شکند. آن دیگر مشکل ما نیست!

آیا ما با پلاک‌های غیربومی قم بد رفتار کردیم که از ترس مردمان باید پلاک خود را طی اقدامی غیورمندانه از ۱۶ به ۳۶ تغییر دهیم تا نشنویم: اوه اوه قمین!

اما به قول مهران مدیری کلام آخر آنکه: (موسیقی متن اخراجی‌ها لطفا!) «بگذریم از عنوان شهر، قم و تهران و مشهد و اصفهان نداریم. آنچه که مبرهن است ایرانی است که ما به وقتش آنچنان متحد بوده‌ایم که من و تو ما شویم هم‌وطن! نام جاوید وطن، وطنم جلوه کن در آسمان همچون مهر جاودان...»

اما انصافاً در خصوص دانشگاه ما افرادی هستیم که محیط را خوب و بد بودن معروف می‌کنیم. دست کم بعد از این جریانات (شیوع بیماری) از ما که گذشت، اما نسل جدید بدانند اگر دانشگاه در سیبری هم باشد می‌توان خوش بود. خوشی از خود ما آغاز می‌شود از خانه‌ی ما آغاز می‌شود شاید با لبخند و سلام کردن به هم‌کلاسی‌ها حتی!

قم المقدسه است:

نخستین و مهم‌ترین ویژگی بارز شهر قم آن است که مردم قم باجانبه‌ترین هستند به جرأت میتوان گفت کدام استان کشور است که شما در دانشگاه از راه نرسیده بگویید قمی‌ها آدم‌های خوبی نیستند و با لبخند بگویی البته شما که قمی نیستید نه؟ و بعضی به گونه‌ای قمی‌ها را گانگستر می‌دانند که آدم ترجیح می‌دهد اهل این شهر کوچک و آلوده به کرونای جهش‌یافته که بیکاری و متکدیان زیادی هم دارد «لندن» باشد تا قم خودمان! اگر جواد رضویان بدون کسب مجوزهای قانونی از نمایندگان استان دیگری به جز قم اینگونه با لهجه‌ی ما شوخی می‌کرد آیا سریال «در حاشیه» به بخش سایه آقایان ناظر و رهایی از گستاخی‌های معروف به س-ا-ن-س-و-ر هدایت نمی‌شد؟

آیا این سوهان که به عنوان سوغات به شهر خود می‌برید و با چای می‌زنید بر بدن بد چیزی است؟ حالا بگذریم یک

مجسمه‌ی میش که مدت‌ها با آن سلفی می‌گرفتیم و در فضای مجازی با هشتگ لاکچری منتشر می‌کردیم و گنجشک‌های پارک دورشهر و المان‌های شخصیت‌های شکرستان و المان خانواده موتورسوار و توپ‌های رنگی خاطره‌ساز و یک عدد مجسمه‌ی میش اشاره نمود. اما شایان ذکر است که تعدادی مراکز تفریحی برای استان در نظر گرفته شده از جمله باغ پرندگان و شهر بازی با امکانات پارک‌های دیزنی که...

بله هم اکنون طی خبری که به دست ما رسید تمام پرندگان باغ فوق‌الذکر به دلیل آنفولانزای حاد پرندگان معدوم گشته‌اند و شهربازی به دلیل شیوع بیماری بلا تکلیف ماند. امید است که زمینش خواریده نشده و فردی از وسایلش سقوط نکند.

پس اگر به قم سفر کردید با میزبان خود منصفانه برخورد کنید که مبادا ترک بردارد غرور شهرنشینی او در یک کلان‌شهر! بدانید که پیدا کردن مکان تفریحی در قم حکم پیدا کردن ثبات اقتصادی در کشور امپریالیسم جهانی و مزایا از واکسن فایزر می‌باشد.

خب دیگه گفتیم و خندیدیم وقت گفتن مزایای ترجیح نیویورک بر

